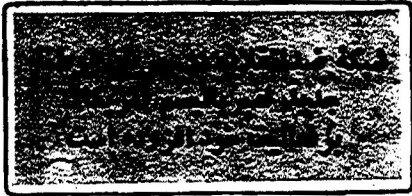


# برای حفظ سلامت انقلاب شبکه ضد انقلاب را ریشه کن کنیم



صفحه ۲

## نقشه‌ای که تکرار میشود

۱- تجربه تاریخی «چماق کمونیسم» در ۲۸ مرداد

مگر همیشه ما را با این چماق نکویدند، چماق کمونیسم ۲۸ مرداد هم ما را با این چماق کوبیدند. همین مسجد در همین جا تفسیر را گفتیم. من در ۲۸ مرداد در ده بودم. آنجا وسیله روزنامه، رادیو و اینها آنوقت نبود شنیدم که کودتا شده و دکتر مصدق سقوط کرده دولتش سقوط کرده. سرعت آمدن تهران. وقتی آمدند در همین محراب و همین مسجد، همین حاج ابراهیم خردن (خلع مسجد هدایت) که آنوقت مشدی ابراهیم بود و حالا حاجی ابراهیم شده، آنوقت جراتیور،

از توی قبه باکتها شاید چهل تا پنجاه صدا برای من آوردند و دیدم هاشم ترقا و شعارهای کمونیستی است... و بعد فهمیدم نه برای من، برای تمام مراجع دین، برای مرحوم آیت‌الله بروجردی، آقا قاضی خاکی، آیت‌الله امیر نوشته‌اند ولی خوب مسا می‌دانیم، نمی‌خواهم بگویم اینجا مال اینها بوده است، مال آقایان کمونیست‌ها بوده است. بعد هم فهمیدم منشأش از کجاست، ولی به این اسم هم روحانیت و هم توده مردم را ترسانند، یعنی کمونیست ضد خدا، ضد دین، ضد نبوت، ضد وحی، می‌خواهد

باید دین شما را از بین ببرد. استعمارگران را ترسانند که این کشور می‌رود ضمیمه شونده از بین می‌رود. در این میان یک مشت اوباش را راه انداختند یا یک مشت قزاقها و قلدرها که الان هنوز هم کماندانش هستند و سرودها می‌کنند. این جور مردم را کوبیدند و این نهضت را درهم شکستند و بعد از آن چند کشته دادیم.

(از سخنرانی فقید سعید آیت‌الله طالقانی در شبازمین دیماه ۱۳۵۷) به نقل از کتاب «طالقانی و تاریخ»

۲- ادامه آن سیاست توسط رژیم شاه

«برای اینکه حالت... داشته باشد به نام حزب کمونیست فعالیت شروع بشود. تهدید بزرگان از قول کمونیست‌ها» (از دستورالعمل ستاد بزرگ ارتشاران، در روزهای انقلاب، به نقل از اسناد ساواک - اطلاعات ۲۵ بهمن ۵۹)

«خواهند آمد دستور فرماید موارد زیرین را توسط کارمندان و عوامل مرتبط در سطح شهر تهران شایع نمایند: - کمونیست‌ها سعی می‌کنند اغتشاشات را بنام مسلمین به وجود آورند و از ترس گسترش اسلام اقدامات مخرب انجام می‌دهند...»

(از دستورالعمل ساواک به مأموران، در آذرماه ۱۳۵۷ - به نقل از اسناد ساواک - اطلاعات ۲۵ بهمن ۵۹)

«در زمستان سال ۵۶ جزوه‌ای از طرف یکی از گروه‌های کمونیستی تحت عنوان «فان حزب» (منظور حزب توده ایران است) و جنبش مسلمانان ایران منتشر شد و با توجه به شناختی که از این گروه داشتیم، وابستگی این گروه به خارج محرز بود و در آن موقع یا فرصت طلبی گروه خود را جای جنبش معرفی می-

۳- همان سیاست بعد از پیروزی انقلاب

«ایران یک همسایه شمالی (شوروی) دارد که پوسته از جنبه‌های تاریخی و سنتی، تهدیدی برای حاکمیت ایران بوده است» (برزیسکی - اطلاعات - دیماه ۱۳۵۹)

«خطر بزرگ آن است که حزب توده ایران قدرت را در دست گیرد. به نظر ما خطری که همه ما را تهدید می‌کند از جانب چپ‌ها است. حزب توده در ایران در انتظار آن است که این هرج و مرج تا آنجا برسد که این حزب احتمالاً بتواند خود را وارد صحنه کند»

(ریگان - ۲۶ دیماه ۱۳۵۹)

«شوروی بدین خیال که به مرور با جنگ فرسایشی می‌تواند خواب‌های گذشته خویش را تحقق بخشد و به آب‌های گرم دسترسی پیدا کند، با اتمام

## نتایج کار کنفرانس جنبش کشورهای غیر متعهد

کار کنفرانس جنبش کشورهای غیر متعهد، که سه روز در دهللی نوید گزار بود، پایان رسید. در این کنفرانس ۱۶۰ کشور غیر - یقه در صحنه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۸ پنجمین ۳۰ بهمن ۱۳۵۹ مطابق با ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵ دیماه ۴۴۸

## نکاتی چند درباره پاسخ دفتر روابط عمومی ریاست جمهوری به «نامه مردم»

۱- دفتر روابط عمومی ریاست جمهوری (مانند خود ریاست جمهوری) یک مقام رسمی است و مسئولیت اظهارات خود را بر عهده دارد.

۲- «دفتر» در این «پاسخ» حزب توده ایران را به «نازل» گوئی و «هاکی» متهم کرده است، ولی کلمه‌ای در اثبات این مدعا نیارزده. باین دلیل ساده که نتوانسته و نمی‌تواند بیاورد.

۳- در عوض «دفتر» در این «پاسخ»، حزب توده ایران را «مسیحی‌گر»، «فهرست طلبی»، «خان»، «ماجر اچو»، «سوا»، «سازشگر باستک‌ترین حکومتها»، «اخلال‌گر»، «همدست با مخالف امپریالیستی»، «تسرقه‌افکن» و «فان‌خور» به نرخ روز برای بست آوردن سهمی از قدرت» نامیده است.

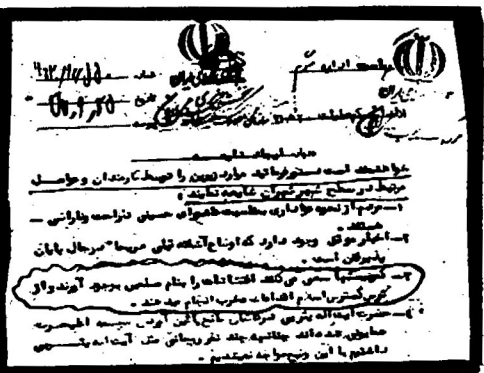
ما مردم را به تضاروت می‌طلبیم. یقه در صحنه ۲

«دفتر روابط عمومی ریاست جمهوری» پاسخی به مندرجات نامه مردم شماره ۳۵ بهمن ۵۹ در روزنامه «میزان» و روزنامه «انقلاب اسلامی»

در مصاحبه مطبوعاتی دیروز: آیت‌الله بهشتی خواستار انتشار متن مذاکرات هیئت نمایندگی دولت موقت با برزیسکی شد.

دکتر بهشتی: حمله به سخنرانی‌ها و مجامع محکوم است.

خود، در اشاره به گروه‌هایی که به سخنرانیها و مجامع حمله می‌کنند، از جمله گفت: «باز دیگر به همه کسانی که بپر عنوان به اینگونه کارها دست می‌زنند، موکداً تذکر می‌دهم که این رویه محکوم است.» یقه در صحنه ۲



دستور ساواک: شایع کنید کمونیست‌ها به نام مسلمین اغتشاش میکنند

سند بالا، که روز ۲۵ بهمن ۱۳۵۹ در روزنامه اطلاعات چاپ شده، نشان میدهد که چگونه ساواک در ماههای قبل از پیروزی انقلاب به کارمندان خود دستور داده است، شایع کنند که کمونیست‌ها به نام مسلمان‌ها اغتشاش می‌کنند.

کرده است. قرار شد گزارش از این جزوه تهیه شود و برای هوشیاری علما این جزوه به قم و مشهد فرستاده شد. این جزوه به خدمت حضرت آیت‌الله شریعتداری در قم و آیت‌الله قمی و شیرازی در مشهد فرستاده شد. (اعتراضات ایرج فریدی، رئیس دایره مربوط به تکلیلات کونسترا در ساواک، در یادگام انقلاب - روزنامه انقلاب اسلامی ۲ بهمن ۱۳۵۹)



جنگ موافق است و بر آن دامن می‌زنند» (میزان - شماره ۴۹)

«هاظور که مبارزه ضد امپریالیستی برای ما مهم است، با مبارزه ضد سوسیال‌امپریالیستی شرق می‌توان شعار نه شرقی نه غربی را فراموش کرده و به مبارزه با روسیه نمریزد» (زادبویختیار - ۱۱ دیماه ۱۳۵۹)

## ارتفاعات «آبادی» در گیلان غرب به تصرف رزمندگان انقلاب در آمد

رزمندگان انقلاب در ادامه نبرد با تجارزگران سدامسی ضربات جدیدی بر آنان وارد آوردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۴۰۸ خود، گروه‌های از عملیات رزمندگان انقلاب را اعلام کرده است.

بر طبق این اطلاعیه، هلی‌کوپتر - های ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) با حمله به مواضع دشمن در منطقه آبادان، ۳ لودر دشمن را منهدم کردند

و ۲ نظامی عراق را بهلاکت رساندند. در همین جبهه، یک لودر، دو خودرو نظامی و یک خودروی دیگر متجاوزین نابود شد و ۱۲ تن از تجارزگران کشته و یا زخمی شدند.

همین اطلاعیه حاکیست که با آتش یگانهای نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خونین‌شهر، دو ساختمان محل تجمع عناصر دشمن به آتش کشیده شد. همچنین به قوای یقه در صحنه ۲

پیرونده سازی علیه حزب توده ایران عاقبت ندارد (۲)

خطر اصلی کجاست؟

صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# برای حفظ سلامت انقلاب، شبکه ضد انقلاب را ریشه کن کنیم

## شبکه ضدانقلاب در جریان توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، بر فعالیت خود افزود

در همین زمینه، چنانکه کارکنان ساواک با جری- کردن مشتاقان اویش متاد و اراذل از قبیل باند شهبان، به ۲ سال است که سعی در خرابی یا با هم- برعهده درگیری و تشنج بدل کرده‌اند، تاکنون جمهوری اسلامی را بکلی بر اعتبار سازند و زمینه را برای بازگشت یک نظم ضدانقلابی همدار کنند.

۲ سال است چاقداران - که هزاران دلیل و سند و نمونه به رهبری ساواک و شبکه ضدانقلاب بر آنها حکم میکنند - در فضای حزبی و گروهی را زیر لوای تسلیم، مورد حمله قرار میدهند و امنیت قضائی را بر اعتبار ساخته‌اند. آنها علیه مخالفت آشکار و صریح کلمه مسئولین جمهوری اسلامی با این اعمال ساواک متشانه به چوبه با مقابله جدی رویرو شده‌اند و آتشی برافروخته‌اند که دوش بیستم همگان رفت. آنها نخست به حزب توده ایران و دفا ترش یورش بردند و سپس اکنون کارجائی رسیده است که حتی روحانیون نیز از جفاک آنان برکنار نیستند. آنها افراد ناآگاه راه که بر اثر بر تقاضای مسئولان می‌نهادند عمل صحیحی انجام می‌دهند، آنستند خواستار ساختن و برای ایجاد بدینتی در میان مردم و از میان بردن ثبات و امنیت جمهوری اسلامی، می‌کوشند.

در آستانه تمامی توطئه‌های خطرناک پیشین امپریالیسم آمریکا، چون تجاوز نظامی طیس، کودتای ۱۸ تیر و جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام حسین، شبکه گسترده ضدانقلاب، در ایجاد زمینه‌های توطئه نقش بزرگی ایفا کرده و همواره آمادگی خود را برای همکاری کامل و همه‌جانبه با توطئه‌گران نشان داده بود.

بخش مهمی از این شبکه ضدانقلاب، که زبانهای جدی به ثبات و امنیت جمهوری اسلامی ایران وارد آورده، خونهای بسیاری از مبارزان انقلاب را بر زمین ریخته و هم‌اکنون کامل‌خود را با دشمنان توطئه‌گر انقلاب ایران، نشان داده است. هزاران چنانیکار ساواک‌نشانده که متاسفانه از جنگ دادگاههای انقلاب گریخته‌اند و هنوز هم تحت کنترل دادگاههای انقلاب قرار ندارند. اینان که میانشان فعالین و سازماندهان کارگشته ساواک قرار دارند، نقش درجه اول در سازماندهی ضدانقلاب مجب و خطرناک کنونی، ایفا کرده‌اند و میکنند و بیشک اگر با آنها قاطعانه و پیگیر برخورد نمود و هر چه سریعتر دستگیر و به مجازات نرسند و یا تحت نظارت کامل قرار نگیرند، خطرات و زیانهای جدی‌تری نیز برای انقلاب ایران ببار خواهند آورد.

درک مسئولیت نسبت به انقلاب حکم میکند که هر چه سریعتر، قاطع‌تر، تدابیر زیرین به اجرا گذارده شود.

۱- لیست ساواکیها بطور کامل و نه ناقص و جزئی و موسمی، با ذکر میزان مسئولیت آنها انتشار یابد و برای تصفیه و یا کنترل آنها در اختیار کابینه ارگانها قرار گیرد.

۲- فعالین و چنانیکاران سرشناس ساواک از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات، با عکس و مشخصات، در سراسر کشور به مردم معرفی شوند و فعالیت وسیعی برای یافتن و دستگیری آنها آغاز شود.

۳- عناصر ضدانقلابی چاقدار، که به بیانه‌های مختلف و زیرنامه‌های مختلف عمل میکنند، شناسائی شوند، بمرم شناسانده شوند و تحت تعقیب قرار گیرند.

بیشک در صورت ادامه فعالیت شبکه ضد انقلاب، لطافت جدی بر بیکر انقلاب وارد خواهد آمد.

سلامت هر چه بیشتر انقلاب حکم میکند که شبکه ضدانقلاب درهم گوییده شود.

## نتایج کار...

بته از صفحه ۱  
مصدق از قهرهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین شرکت کردند. نتایج بررسی مسائل که در جلسات این کنفرانس مطرح گردید، در اعلامیه نهایی کنفرانس و دیگر اسناد مصوب در کنفرانس بازتاب یافت.

در اعلامیه نهایی کنفرانس در دلهی آمده است که:

شرکت کنندگان در این کنفرانس با وجود اختلاف نظرها و انزویهای گوناگون کشورها و غیرمصدق دومورد مسائل مربوط به اوضاع بین المللی و رویاندهای جهان، در مورد مسائل مهم از قبیل لزوم کاهش تنجانات بین المللی، قطع مسابقه تسلیحاتی و معویاتی استعمار، محکوم کردن سیاستهای نو استعماری و تروا پرستی امپریالیسم سیستم توسعه طلبانه و تجاوزکارانه دولت صیورستی اسرائیل اقبال نظر کامل داشتند.

در اعلامیه کنفرانس دلهی نظریه جنگ هسته‌ای محذوم، که از جانب ایالات متحده آمریکا مطرح شده است، محکوم میشود. وزیران امور خارجه کشورها و غیرمصدق مسائل مربوط به راههای کاهش تنجانات و حل و فصل اختلافها و مناقشات در جنوب شرقی آسیا و خاور نزدیک و در دیگر مناطق جهان را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

در این کنفرانس موافقتنامه‌های گمیدوییده که با متافع خلق عرب فلسطین و دیگر کشورهای عربی در تقاضی است، محکوم گردید.

شرکت کنندگان در کنفرانس دلهی مصراحت خواستار خروج واحدهای اشغالگر اسرائیل، از سرزمینهای کشورهای عربی و تأمین حقوق ملی خلق عرب فلسطین برای ایجاد کشور و تشکیل دولت مستقل ملی شدند. در اعلامیه نهایی این کنفرانس لزوم حل و فصل سیاسی اختلافها و از آنچه حل و فصل سیاسی مسائل مربوط به افغانستان - خلمر- نشان شده است.

کنفرانس جنبش کشورهای غیرمصدق ضمن ابراز تاسف عمیق از جنگ تحمیلی دارودسته خیانت‌پیشه صدام علیه جمهوری اسلامی ایران، نمایندگان گویاه هند، ژامپا و سازمان آزادیبخش فلسطین را مامور کرد، که تمام اقدامات ممکن را برای پایان بخشیدن به این جنگ بعمل آورند.

شرکت کنندگان در کنفرانس دلهی تکرار جدی خود را از رختا اوضاع در منطقه اقیانوس هند که در نتیجه گسترش حضور نظامی امپریالیسم امریکا و گسترش پایگاههای نظامی و تجزیه آنان با سلاحهای هسته‌ای روز به روز افزایش می‌یابد، ابراز داشتند.

در اعلامیه نهایی کنفرانس دلهی روی مفاد بیانیه سازمان ملل متحد درباره اعلام منطقه اقیانوس هند به عنوان منطقه صلح تأکید شده و از کشورها این منطقه و دول بزرگ دعوت شده است که در کنار کنفرانس کلمبوی، که قرار است در تابستان سال آینده برای بررسی مسئله اقیانوس هند تشکیل شود، فضالانه شرکت کنند.

در اینجا این مطلب را باید خاطر نشان ساخت که امپریالیسم آمریکا همواره در کار مذاکرات مربوط به مسئله اعلام اقیانوس هند بیضقه صلح و تضمین امنیت و استقلال کشورهای این منطقه، کارشکنی کرده، از انجام مذاکرات در این باره امتناع ورزیده و در مقابل، طی دو سال اخیر، یعنی پس از بیروزی انقلاب ایران و انقلاب دمکراتیک در افغانستان، به بیانه‌های گوناگون حضور نظامی و پایگاههای نظامی خود در این منطقه را گسترش داده است.

بر عکس اتحاد شوروی، که خود مبتکر طرح پیشنهاد مربوط به غیرنظامی کردن منطقه اقیانوس هند و تبدیل آن به منطقه صلح در سازمان ملل متحد بوده، آمادگی خود را برای شرکت در کنفرانس کلمبوی، که تابستان سال جاری میبایستی تشکیل خواهد شد، اعلام داشته است.

از سوی دیگر، گویا در دیدار چندی پیش خود از هند در سخنرانی که در پارلمان هند ایراد نمود، پیشنهادهای مشخص دولت اتحاد شوروی را در این باره تشریح کرد و تمام کشورهای منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند را به تشکیل کنفرانس جهت تأمین امنیت و استقلال کشورهای این منطقه و خروج قلمروهای نظامی خارجی از این منطقه فراخواند.

در کنفرانس دلهی مسائل مربوط به پیشرفت اقتصادی کشورهای عضو جنبش غیرمصدقها نیز مورد بررسی قرار گرفت. شرکت کنندگان در این کنفرانس بر روی خواست خود در مورد استقرار نظام نوین در روابط اقتصادی بین المللی تأکید کردند و این مطلب را که در اسناد کنفرانس نیز بازتاب یافته، خاطر نشان ساختند که کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته سعی دارند عوارض ناشی از بحران اقتصادی و مالی جهان سرمایه‌داری را، از راه میادله‌های نابرابر کالا و ایجاد محدودیتهای گمرکی برای توسعه بر دوش این کشورها تحمیل کنند.

در اعلامیه نهایی کنفرانس دلهی همچنین لزوم تقویت و گسترش همکاریهای اقتصادی میان کشورهای غیر متعهد - خلمر- نشان شده است. در کنفرانس دلهی بر روی

ضرورت وحدت و یکپارچگی جنبش کشورهای غیرمصدق بر مبنای اصولی که در دستور جنبش غیرمصدقها اعلام گردیده، تأکید شد.

در کنفرانس دلهی بار دیگر سمت عمده سیاست جنبش غیرمصدقها در مبارزه علیه امپریالیسم و نقشهای تجاوزکارانه آن بطور مشخص برجسته شد. نمایندگان بسیاری از کشورهای غیرمصدق شرکت کننده در کنفرانس دلهی به این مطلب اشاره کردند که مسئولیت اصلی روزافزونی رختا اوضاع جهان مستقیما بر عهده امپریالیسم امریکاست. این امر را نظرها بیانگر این واقعیت است که تدارکات جنگی گسترده امپریالیسم امریکا در مناطق مختلف جهان، بویژه در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس خطر مستقیمی است که استقلال و امنیت کشورهای این منطقه را تهدید میکند و دول کشورهای این منطقه برای مقابله با چنین خطری موظفند چپه متحد ضد امپریالیستی از کشورهای مستقل ملی و همه نیروهای ترقیخواه را گسترش دهند و استحکام بخشند.

شرکت هیئت نمایندگی جمهوری اسلام ایران بعنوان عضو کامل جنبش کشورهای غیرمصدق در کنفرانس دلهی اقدام مثبتی بود در راه گسترش مناسبات ایران با کشورهای غیرمصدق و شناساندن هر چه بیشتر چهره واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در سطح بین المللی. اما متاسفانه روش هیئت نمایندگی ایران در این کنفرانس کمال مطلوب نبوده، زیرا این هیئت توانست تفت خود را در فضای ماهیت امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های تجاوزی آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، و از آنچه تامله تجاوز امریکائی رژیم صدام، و در تحمیل مواضع ضد امپریالیستی در جنبش غیرمصدقها تمام رکال ایفاء کند. اتخاذ چنین روشی را باید از فقدان یک سیاست خارجی مدون مبتنی بر اصولی که پاسخگوی استحکام و گسترش مواضع بین المللی جمهوری اسلامی ایران و مرزبندی مشخص در میان نیروهای ضد امپریالیستی و هوادار استقلال ملی با نیروهای امپریالیستی و هواداران آن در عرصه جهانی باشد، ناشی دانست.

امید ما آنست که مسئولان کشور، بویژه مسئولانی که با سیاست خارجی سر و کار دارند، با شناخت عمیق خود از درستان و دشمنان انقلاب ایران، با تلاش برای هاشکوهیستکی با جبهه نیروهای ضد امپریالیستی پشتیبان انقلاب ایران، از این فرصتها و امکانات بین المللی بیشتر و بهتر در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند.

دشمن با سر نشینانش منهدم شد. همچنین پاسداران انقلاب با نفوذ در جاده دهرلان در منطقه دشت عباس، موفق شدند با مین گذاری جاده، يك تقریر دشمن را منهدم و ۵ تن از تجاوزگران صدامی را به هلاکت برسانند. واحد خنجره‌انداز سپاه نیز ۶ سنگر اجتماعی دشمن در منطقه جنوب را یکلی منهدم کرد.

را منهدم کنند و حدود ۲۰۰ نفر از تجاوزگران را به هلاکت برسانند. بر طبق این اطلاعیه، در جبهه‌های جنوب نیز رزمندگان سپاه پاسداران در فلول طی عملیاتی، جاده تدارکاتی دشمن را در منطقه قوود یوکان، مین گذاری کردند که در نتیجه یک دستکام لودر

ایران با انتشار اعلامیه‌ای، شرح قسمتی از عملیات دلوران سپاه را با اطلاع همگان رساند. این اعلامیه حاکیست که در جبهه‌های غرب، در منطقه گیلانغرب در محصور قاسم آباد پاسداران موفق شدند در طی حملات متعدد به تجاوزگران صدامی ۱۰ دستکام خودرو، ۲ تانک و ۱۴ سنگر آنان

گیلانغرب توسط پاسداران جانباز انقلاب و پشتیبانی آتش یگانهای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به تصرف درآمد. در این عملیات ۲ تانک، ۲ تفنگ نیمه سنگین ۱۰۶ میلیمتری و ۱۲ سنگر دشمن منهدم شد و حدود ۵۰ نفر از قوای خصم به هلاکت رسیدند. همچنین در مناطق کوخلان و پنجوین درانی

عملیات پاسداران انقلاب روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

## ارتفاعات «آبادی»

بته از صفحه ۱  
متجاوز صدام در نوار مرزی صمره تلفات سنگینی وارد شد و برج دیدمبانی العاصم واقع در منطقه قو به آتش کشیده شد. دیروز (۲۸ بهمن) نیز ارتفاعات «آبادی» در منطقه



### پرونده سازی علیه حزب توده ایران عاقبت ندارد (۲)

# خطر اصلی کجاست؟

امریالیسم آمریکا و عملیه و ارکه، توطئه گر آن در داخل کشور، مدعیند که از جانب آمریکا خطری خطر گویا از جانب اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم است. این مطلب را صدای آمریکا، بی بی سی، رادیوی بختیار، رادیو اویسی، کارمندان "سیا" و کودتاچیان و عمال ساواک، صاف و پوست کنده و بدون ادا و اصول می گویند و تکرار می کنند. اما نویسنده مقاله ضد توده های "انقلاب اسلامی" همین مطلب مبتذل را، "دانشمندانه" مطرح می کند و پیچ و پلج "علمی" می دهد.

خلاصه حرف بسیار "علمی" نویسنده مقاله ضد توده های "انقلاب اسلامی" این است که: چون نیروهای انقلابی جهان و اردوگاه سوسیالیسم با سرعت بیشتری رشد می کنند و قدرت اقتصادی آنها روز بروز بر قدرت سرمایه داری جهانی و اردوگاه امریالیستی می چربد، پس این خطر بزرگتر است!

نویسنده مقاله ضد توده های "انقلاب اسلامی" برای اثبات "علمی" این مطلب که سوسیالیسم بر سرمایه داری فائق می آید، "کتاب" یا ناماریف را زیر و رو می کند و صفحه در صفحه با پاراگراف نشان می دهد. در حالی که در این باره که قدرت نیروهای انقلابی جهان و اردوگاه سوسیالیسم روز افزون است و قدرت امریالیسم و ارتجاع جهانی روبه افول، نیازی به مراجعه به این "کتاب" نیست و این حرف، حرف یا ناماریف تنها هم نیست. تمام انقلابیون جهان این حرف را، که انعکاس واقعیت است، می زنند. واقعا هم سوسیالیسم بر سرمایه داری برتری دارد. واقعا هم نیروهای انقلابی جهان در پیروهای ضد انقلاب برتری یافته اند. قدرت آنان نیز در حال افزایش مداوم است. تنها قدرت اقتصادی و نظامی کشورهای سوسیالیستی و کشورهای ازبند رسته هم نیست که رشد می کند. رفا مردم این کشورها، سطح فرهنگ و تمدن آنها، اعتبار و تاثیر بین المللی آنها نیز روز افزون است. ولی آیا از اینجا می توان این نتیجه را گرفت که شور-های سوسیالیستی خطر بزرگتری هستند؟ با این شیوه تحلیل "علمی" که نویسنده مقاله ضد توده های "انقلاب اسلامی" ادامه می دهد، نه فقط در ایران، بلکه در مقیاس جهانی- سوسیالیسم، "خطر بزرگتر است" زیرا که قدرت سوسیالیسم نه در ایران، بلکه در جهان بر قدرت امریالیسم چیره می شود. آری، قدرت انقلاب در سراسر جهان بر ضد انقلاب برتری می گیرد. هم اکنون انقلاب ایران حساب های ارتجاع منطقه را بهم زده است. اگر این انقلاب یاد بگیرد و هر روز بر قدرت آن افزوده شود، آیا جمهوری اسلامی ایران "خطر بزرگتر!" خواهد بود؟ البته صدام حسین و شاه اردن و ملوک سعود و تمام مرتجعین منطقه چنین می گویند. ولی نظر انقلابیون منطقه و جهان چنین نیست، زیرا موضوع خطر و موضوع تهدید تفاوت می کند. چه چیزی و از طرف چه کسی مورد تهدید است؟ رژیم شاه ملعون از طرف انقلاب ایران تهدید و سرنگون شد. ارتجاع منطقه را "خطر" انقلاب تهدید می کند و برای ملوک سعود خطری بزرگتر از نیروی انقلابی مردم عربستان، که مورد حمایت همه انقلابیون جهانند، وجود ندارد. برای امریالیسم آمریکا هم خطری بزرگتر از خطر اردوگاه سوسیالیسم و جنبش های رهایی بخش جهان نیست. ولی انقلاب ایران را چه خطری تهدید می کند؟ خطر پیروزی سوسیالیسم بر سرمایه داری؟ خطر گسترش نیروی انقلاب جهانی؟ نویسنده مقاله ضد توده های "انقلاب اسلامی" به این دلیل از

"خطر" شوروی و اردوگاه سوسیالیسم سخن می گوید که مدافع منافع امریالیسم و ارتجاع در ایران است. این نویسنده احساس می کند که موضوع مورد دفاع او، یعنی منافع پلید امریالیسم و سرمایه داری غارتگر در ایران و منطقه، از طرف انقلاب ایران تهدید می شود و این انقلاب مورد حمایت اردوگاه سوسیالیسم است. ما برای این که خیال نویسنده مقاله ضد توده های "انقلاب اسلامی" را آرام کنیم، تکرار می کنیم، یادآوری می کنیم که احزاب کمونیستی و کارگری جهان در کنفرانس ۱۲ سال پیش خود تصریح کرده اند که:

"امریالیسم از بازگرداندن ابتکار تاریخی از دست داده و به عقب برگرداندن سیر تکامل جهان معاصر عاجز است".

امروز این نتیجه گیری را به مراتب مطمئن تر از دوازده سال پیش می توان تکرار کرد. امریالیسم آمریکا واقعا هم هیچ غلطی نمی تواند بکند. بدون تردید عرق آقای ریگان خیلی زود سرد خواهد شد و خلق های مبارز جهان، و از جمله کشورهای سوسیالیستی، بی شک این گاو باز دیوانه را سر جای خود خواهند نشاند. ولی این به هیچ وجه بدان معنا نیست که گویا انقلاب خلق های اسیر را دیگر خطر آمریکا تهدید نمی کند و خطر از جای دیگر است. امریالیسم تا وقتی وجود دارد - خطر واقعی و اصلی است برای انقلاب های جهانی. و امروز که گروه ریگان با گستاخی و وقاحت به میدان آمده است و بهطور آشکار از ضرورت تغییر حکومت در ایران سخن می گوید، فقط نوکران دیپلمه امریالیسم و یا آن ها که در ناگامی مطلق به سر می برند، می توانند این خطر را کوچک بگیرند.

ظاهرا گردانندگان "انقلاب اسلامی" برای این که از زهر نویسنده مقاله ضد توده های بگهند، در مورد این که کدام خطر بزرگتر است، مقداری به نوشته همکار خود اضافه کرده و اظهار نظر کرده اند که: "این که کدام یک از دو ابرقدرت امروز قوی تر است و یا دوران طلایی امریالیسم آمریکا بسر آمده و یا خیر، مطلبی است قابل بحث!" منتها در مورد کشور ما "به علت استعمار ۳۰ ساله و پایگاه های داخلی که از آن برخوردار است و همچنین ضربات سختی که از انقلاب ایران متحمل شده، همچنان دشمن اصلی جمهوری اسلامی ایران است. البته این بدان معنا نیست که پایگاه های داخلی ابرقدرت شوروی و خطرات آینده آن را نیز نادیده بگیریم و این کشور را جز کشورهای "دوست" به حساب آوریم".

این اظهار نظر گردانندگان "انقلاب اسلامی" نمونه بارزی است از ایجاد محیط ابهام، پنهان کردن عقیده واقعی و باطنی گردانندگان "انقلاب اسلامی" خود را مخالف جو ابهام معرفی می کنند، ولی از موثرترین عوامل ایجاد چنین محیطی هستند، زیرا هرگز نخواسته اند و نمی خواهند که منظور واقعی، برنامه واقعی و شی واقعی خود را به طور روشن به مردم بگویند. در همین مورد مشخص، چنان که می دانیم، مسئله بی نظمی اساسی و بنیادی است. این که گروه و دستهای امریالیسم آمریکا را خطر اصلی بدانند یا نه، تمام مشی و برنامه آنها تفاوت می کند. در چنین مسئله

بنیادی، روزنامه "انقلاب اسلامی" یکپاره هوس می کند که "دموکرات" باشد، "بحث آزاد" بکند، به یکی از نویسندگان خود اجازه دهد که یک ماهه در باره این مسئله اساسی نظری خلاف واقع و خطرناک بنویسد و منتشر کند و آن گاه هیئت تحریریه "انقلاب اسلامی" به نعل و به میخ بزند.

معلوم نیست اگر روزنامه "انقلاب اسلامی" واقعا خطر اصلی را آمریکا می داند، چگونه اجازه می دهد که فرد مجهول الهویه ای یک ماه و نیم تمام در صفحات این روزنامه شلتاق کند و ضد عقیده هیئت تحریریه مطلب بنویسد، و اصولا چگونه چنین کسی را به عنوان همکار تحمل می کند؟ مگر برای همکاری با روزنامه "انقلاب اسلامی" هیچ ضابطه ای نیست؟ آیا "انقلاب اسلامی" واقعا این قدر تریبون آزاد است؟ یاور کنیم؟

### دفاع آشکار از سرمایه داری وابسته غارتگر

نویسنده مقاله ضد توده های "انقلاب اسلامی" به طور آشکار از سرمایه داری و به قول خودش "کسب و کار آزاد" دفاع می کند و می گوید که راه رشد غیر سرمایه داری، که حزب توده ایران تبلیغ می کند، به معنای "برهم زدن کسب و کار آزاد و دادوستد آزادانه است". کسانی که صاحب حداقل سود سیاسی هستند، می دانند که راه رشد غیر سرمایه داری هنوز به معنای "برهم زدن کسب و کار آزاد" نیست، بلکه معنای از میان بردن کامل فوئودالیسم، درهم پیچیدن کسب و کار سرمایه داران بزرگ غارتگر و گسترش بخش دولتی و تعاونی ها است. و کسب و کار آزاد تولید کنندگان کوچک، دهقانان و پیشه وران و صاحبان کارگاه های کوچک و کسه ادامه می یابد و در چارچوب دفاع از تولید داخلی و منافع توده های مردم مورد حمایت قرار می گیرد.

ممكن است نویسنده مقاله ضد توده های "انقلاب اسلامی" نتواند این گونه مطالب را درک کند، ولی بنابه شمس طقاتی خود احساس می کند که انقلاب ایران منافع فئودال ها و سرمایه داران وابسته را به خطر انداخته است. منظور او از "کسب و کار آزاد"، ادامه غارتگری احصارات امریالیستی، سرمایه های وابسته، بزرگ مالکان، دلان، رباخواران و قاچاقچیان است.

### چه کسی در ارگانهای انقلابی رسوخ می کند؟

روزنامه "انقلاب اسلامی" مدت ها است این فکر را تلقین می کند که گویا حزب توده ایران در ارگان های انقلابی رسوخ کرده و به طور غیر مستقیم زمام بسیاری از امور را به دست گرفته است! این فکر در نوشته نویسنده مقاله ضد توده های "انقلاب اسلامی" نیز محور اصلی است و در این مورد نیز به طور بسیار "علمی" شرح و بسط می دهد. ولی چون دلیلی او حتی شبه دلیلی هم ندارد، باز هم "کتاب" نوشته شده "پاناماریف" را بهانه می کند و این بار نه فقط برای حزب ما بلکه برای همه نهاد های انقلابی پرورده می سازد.

درباره رسوخ، نفوذ، القاء ایدئولوژی و نظایر آن، که تکیه کلام روزنامه "انقلاب اسلامی" است، باید یادآوری کنیم که نظریه رسوخ کمونیست ها در دولت یا سازمان های انقلابی، مال خود این روزنامه نیست. این نظریه متذلی است که "سیا" لاقال سی سال است آنرا اعلام کرده و ساواک آنرا پسایه بسیاری از اقدامات جنایتکارانه خود قرار داده است.

موافق این نظریه، "کمونیسم" به طور بدیهی و بدون این که نیازی به بررسی و رای محکمه و حتی محکمه نظامی باشد، "جرم" اعلام می شود، و سپس هر سازمان ضد امریالیست و هر شخصیتی که حاضر به تسلیم در برابر "سیا" نباشد، به داشتن نظریه کمونیستی متهم می گردد و مجرم و شایسته مجازات اعلام می شود. به عبارت دیگر، موافق این نظریه، پلیسی-فاشیستی، هر مخالفی، کمونیست، و هر کمونیستی مجرم است.

### ماوران "سیا" دکتر مصدق را هم "کمونیست" می نامیدند و سرنگونی حکومت او را به این "دلیل" لازم می دانستند!

کریمیت روزولت، رهبر عملیات کودتای ۲۸ مرداد، چند روز قبل از کودتا مدعی بود که:

"قدرت در ایران به واقع دست حزب توده است".

آریتهاور در نطقی که به تصریح کریمیت روزولت - دستورالعمل کودتا بود، در ۱۴ مرداد ۳۲ گفت:

"دکتر مصدق در فراندوم از حزب کمونیست استفاده کرد و کمک گرفت.

تهدید کمونیست ها نسبت به کشورهای آسیا اساسا برای آمریکا شوم و خطرناک است. آمریکا ناچار باید این راه را مسدود کند".

عماد آمریکا هم در ایران همین حرف ها را تکرار می کردند، تازینه کودتا را سرانجام فراهم کردند و دکتر مصدق را به نام "کمونیست" از حکومت انداختند. دکتر مصدق در زندان اعتراف کرد:

"دول بزرگ کمونیسم را بهانه کرده اند، برای این که ۴۰ سال دیگر از معادن نفت ما سو استفاده کنند". این ها دیگر پرورده سازی "علمی" نویسنده مقاله ضد توده های "انقلاب اسلامی" نیست. تاریخ است. به خط دکتر مصدق و به خط کریمیت روزولت نوشته و منتشر شده است.

اما بخش مهم تر تاریخ این است که، وقتی کودتای ۲۸ مرداد با موفقیت انجام شد و زمانی که تمام دستگاه دولتی دکتر مصدق به دست

کودتاچیان افتاد، حتی یک نفر عضو حزب توده ایران در این دستگاه نبود و برعکس، تقریبا همه ست های حامی در دست عمل پنهان و آشکار آمریکا و انگلیس بود، که پس از کودتا هم همکاری خود را با رژیم کودتایی ادامه دادند.

قاعدتا گردانندگان "انقلاب اسلامی"، که این همه داعیه وسعت نظر و دوری از انحصار طلبی دارند و خود را افراد تمدنی جا می زنند که گویا در قله آزادی خواهی اند، نباید داشتن عقیده های مخالف عقیده خود را جرم بدانند. آن ها نباید مخالف خود را با کمونیست نامیدن، هو کنند. این کار شایسته افراد واقعا متعبد نیست. ولی حالا که متأسفانه حرف کریمیت روزولت را تکرار می کنند و از رسوخ توده های در ارگان ها خبر

می دهند، آیا می توانند نام یک تودم ای را ببرند که در دستگاه دکتر مصدق "رسوخ" کرده بود؟

امروز هم کریمیت روزولت ها و جناب ریگان دروغ می گویند که حزب توده ایران در دستگاه دولت جمهوری اسلامی ایران "رسوخ" کرده است. آن ها می دانند که چنین نیست. آن ها هر انقلابی ایرانی را که ضد امریالیست باشد، کمونیست و توده ای می نامند. تمام این جنجال درباره "رسوخ" حزب توده ایران در حکومت برای مرعوب کردن مخالفین خود، کنارزدن آن ها و گرفتن جای آن ها است.

خصوصیت انقلاب ایران چنین بود که دستگاه دولتی رژیم سابق به طور کامل شکست، دولت موقت این دستگاه را تا جایی که توانست حفظ کرد و چنان امکانی فراهم آورد که مهرهای آمریکایی جدید نظیر امیران نظام توانستند در مقامات حاسن جای بگیرند. در این دوسال نام دهها نفر از عمال آمریکا، که در مقامات جمهوری اسلامی ایران رسوخ کرده بودند، افشا شده است و تعداد بسیاری دیگر هستند که هنوز افشا نشده اند. روزنامه "انقلاب اسلامی" این رسوخ واقعی را نمی بیند و ظاهرا نمی خواهد ببیند. "انقلاب اسلامی" برای مهرهای آمریکا، که افشا می شوند، دل سوزی می کند و بر سر "رسوخ" حزب توده ایران، که حتی

یک نمونه از آن نبوده و نخواهد بود، جنجال براه بیاندازد. چرا؟

سیاست حزب توده ایران نسبت به جمهوری اسلامی ایران سیاست روشن و صادقانه ای است. ما می خواهیم این جمهوری تحکیم شود و روی پای خود بایستد. تحلیل علمی طبقاتی ما را به این نتیجه رسانیده است که انقلاب ایران و جنبش اسلامی ضد امریالیستی و مردمی زیر رهبری امام خمینی، در سمت تکامل جامعه بشری است. ما به پیروزی این جنبش علاقمند و در تحکیم آن بنفهمیم. ما صریحا اعلام می کنیم که در هیچ مقام دولتی جمهوری اسلامی ایران "رسوخ" نکرده ایم، نمی کنیم و نخواهیم کرد. مناسبات ما با نهاد های انقلابی رویز و با مهر و امضای رسمی حزب توده ایران است. ما در همه جا به طور رسمی علاقمندی خود را به همکاری اعلام می کنیم، هر جا که پذیرفته شود، صادقانه و عمل می شویم. در تولید کارخانه، در درو گندم، در تجهیز کتک به جبهه جنگ زدگان، در ایثار جان در جبهه جنگ، در ارائه طرح به مقامات جمهوری اسلامی در مسائلی که خود آن ها رسما و از طریق رسانه های گروهی از همه سازمان ها بخواهند، هر چه از دستمان برآید برای جمهوری انجام می دهیم. ولی تسخیر به دست و ماسک به چهره در حکومت رسوخ نمی کنیم. شاید نویسنده مقاله ضد توده های "انقلاب اسلامی" قیاس بنفس می کند؟!

### چه کسی برای ایجاد علم ثبات می کوشد؟

گفتم که حزب توده ایران در تثبیت و تحکیم مواضع جمهوری اسلامی ایران ذینفع است. ما میدانیم که شکست این جمهوری، شکست همه نیروهای انقلابی ایران و از جمله حزب توده ایران است. پس از کودتای ۲۸ مرداد، حزب ما بیش از چهار هزار نفر زندانی، دهها نفر تبعیدی و اخراجی و در بهر داشت و دهها نفر کشته داد. اما تعداد زندانیان جبهه ملی و سران حکومت دکتر مصدق به تعداد انگشتان دس نرسید. فقط یکی از هزاران توده های بقیه در صفحه ۶

از زندگی زحمتکشان

باربران میگویند: آمریکا می خواهد همه چیز ما را بگیرد. تا خون در رگ ماست، برای انقلاب می جنگیم

کارگران باربران، با یک اطلاعیه در روز جمعه ۱۳ بهمن ۱۳۵۹

باربران میدانها از جمله محرومترین زحمتکشان کشور ما هستند. از اولین ساعات روز تا تاریک شدن هوا کار می کنند، و علیرغم کار سنگین و طاقت فرسای خود، دستمزدی ناچیز دریافت می کنند، درآمدی که با گرانی موجود، کفاف زندگی شان را نمی کند. فشا رزندگی بردوشان سنگینی می کند، ولی با این حال مجبورند برای تأمین زندگی خود آنرا تحمل کنند و بخاطر شرایط کنونی ناشی از جنگ دم برنیاورند. با تندی چند از آنها به گفتگو نشستیم. در درونشان را با زگو می گفتند و خواستار رسیدگی به آنها هستند.

علی مردی، در حد درجه ۳ ساله، می گوید: "من سه سال است باربری می کنم. از صبح زود تا شبه کار می بارم. کشتی میوه های دیگری است. درآمدم در روز حداکثر پنجاه الی شصت تومان است. شش نفر عاقله دارم. مستاجر هستم. ماهی می سیدم. تومان کرایه خانه می دهم و روزی سه تومان هم کرایه پنجه داری این چرخ را می دهم."

درباره جنگ می گوید: "عراق به خاک ما تجاوز کرده، ما باید آنرا سرکوب کرد. آمریکا پشتیبان عراق است و همه گونه کمک به عراق می کند. آنها با رهبر ما امام خمینی مخالفت می خواهند انقلاب ما و رهبر ما را از بین ببرند. در مورد مسئله احتکار نیز می گوید:

"من که زور نمی رسد، دولت باید جلوی اینها را بگیرد. من با این درآمد کم، با این گرانی چگونه زندگی کنم؟ غذای ما نان خالی است. درباره اینکه تعلیمات نظامی دینده است یا نه، می گوید: "من وقت اینطور کارها را ندارم. اگر یک روز کارم را تعطیل کنم، خانواده ام گرسنه خواهد ماند."

در مورد این که چرا به این کار روی آورده است، می گوید: "در ابتدا من زمین کوچکی داشتم، ولی آن را از دستم در آوردم. مجبور شدم برای تأمین زندگی زن و فرزندم به تهران بیایم. چندتالی خانواده ام در ده بومند، ولی چون این وضع برایم مشکل بود، آنها را هم به تهران آوردم. الان شب و روز زحمت می کشم، با بعضی وقت ها مجبورم گرسنگی بکشم."

علی می گوید: "اگر دولت به ما زمین بدهد و وسایل لازم در اختیارمان بگذارد، حتما به ده برخواهیم گشت. این روزها کار ما خیلی کم شده، چرخ های ما زیاد شده اند. هر کس بیکار می شود، چرخ بدست می گیرد و اینجا کار می کند."

درباره وظیفه کارگران در شرایط فعلی می گوید: "برای کمک به جبهه، هر چه از دستمان بر بیاید انجام می دهیم. اگر ما فرمان بدهد، در جبهه حاضر خواهیم شد. پیروزی در این جنگ از آن ماست. با یکی دیگر از باربران سیزده میدان گفتگو می کنیم. اسم او کریم محمود است و هشت سال است باربری می کند. می گوید: "من در اینجا شبا خانه دخترم می خوابم."

درباره جنگ می گوید: "اگر ما فرمان بدهد،"

همین الان به جبهه می روم. آمریکا می خواهد همه چیز ما را بگیرد. ما باید ایران را حفظ کنیم. وظیفه ما این است که به جبهه کمک کنیم." علی نظری، یکی دیگر از کارگران، که موهای سفید



ما باید ایران را حفظ کنیم. وظیفه ما این است که به جبهه کمک کنیم.

روستاییان بی زمین و کم زمین هستند، که بیعت فقر شدید ما را بخاطر نداشتن زمین و وسایل ضروری کشاورزی، به تهران آمده اند، تا زندگی بهتری را برای خود ایجاد کنند. ما در تهران نه تنها زندگی بهتری نیافتند، سهل است، هر چه بیشتر در فقر غرق شدند.

دولت باید برای نجات زندگی این افراد تصمیمات لازم را اتخاذ کند. دولت میتواند با واگذاری زمین به این افراد و در اختیار گذاشتن وسایل لازم آنها را به روستاها بازگرداند. با این کار می توان از سوزنی آنها را از این زندگی مسکنت بار نجات داد و شرایط بهتری را برایشان مهیا کرد، و از سوی دیگر با به زیر کشیدن درآمد زمینهای بیشتری، به کنتا و رزی اسیران جانی تازه بخشد و تا حدتائین ما بختا کشور ما را نراکستش داد. همچنین با اینکه میتوان از تراکم بی رویه جمعیت شهرها، که چه قبل و چه بعد از انقلاب، بیعت مهاجرت روستائیان روستا افزایش گذاشته است، کاست.

شده، می گوید: "دو سال است بیکارم خرج ۴ نفر را باید بدهم. درآمدم خیلی کم است." دستش را در جیب فرو می برد و یک سکه دو تومانی در می آورد و می گوید: "از صبح تا بحال همین دو تومان گیرم آمده. با این گرانی با این درآمد کم، چه بکنم؟" احمد، یکی دیگر از باربران، می گوید:

"یک ماه است باربری می کنم و روزی ۴۰ تا ۵۰ تومان درآمد دارم. خانواده ما ده نفری است، ولی فقط دو نفر از آنان، یعنی من و پدرم، کار می کنیم. هر چه درآمد دارم، برای خانواده ام می ترسم."

درباره جنگ می گوید: "این جنگ را عراق شروع کرده و آمریکا و راکمک میکند. ولی ما پیروزیم. تا خون در رگ ماست، برای انقلاب می جنگیم." عباس، یکی دیگر از باربران می گوید: "متولد ۱۳۴۱ هستم. دو ماه است که اینجا کار می کنم. با پدر چیک خانواده هفت نفری

سندیکای کارگران خیاط: یک دست صدا ندارد

سندیکای کارگران خیاط، اخیرا طی اطلاعیه ای خطاب به کارگران، با تکیه بر اهمیت جمع شدن در سندیکا و ضرورت آن، مطالبی را عنوان کرده است که "زبان حال" همه کارگران است. در این اطلاعیه می خوانیم:

"ما کارگران خیاط، مانند سایر کارگران صنوف، با مشکلاتی از قبیل بیکاری، نبودن کار به اندازه کافی یا تین بودن سطح دستمزد، مسئله بیمه، وجود قوانین ضد کارگری، نداشتن تامین شغلی، که ما را همیشه نگران آینده میکند، وجود سیستم کارمزدی، که بیشترین لطمه را به ما میزند، روبرویم. اضافه بر اینها، سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و تجار بزرگ، معمولا در شرایط فعلی، با سوء استفاده از شرایط جنگی دست به احتکار کالاها و مواد اولیه زده و با بالابردن قیمتها، ضمن اینکه زندگی سختی را بما تحمیل میکنند، باعث بیکاری هر چه بیشتر ما کارگران شده اند. امروزه تمامی کارگران و زحمتکشان ما با امپریالیسم جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، مبارزه میکنند و میدانیم که این نیروی کارگران است که باید پیشاپیش سایر زحمتکشان این مبارزه را به پیروزی برساند و وریشه وابستگی ما را به امپریالیسم جهانی قطع کند. ما ضمن اینکه در حال مبارزه با امپریالیسم هستیم، در راه گرفتن خواستهای اقتصادی و اجتماعی از سرمایه داران داخلی در حال مبارزه هستیم."

آیا ما میتوانیم به تنهایی جدا از یکدیگر در کارگاههای مختلف این مبارزات را به پیش ببریم؟ تجربه ثابت کرده است که خیر. ما باید ضمن اینکه با کارگران کارگاه خود متحد می شویم، با هر عقیده و ایدئولوژی که داریم، در سندیکای خودمان، که ابتدائی ترین تشکلات متحدی ماست، جمع بشویم و نیروهایمان را یکی کنیم و با اتحاد با سایر تشکلهای کارگری از تجربه مبارزات کارگران جهان استفاده کرده و راه اساسی برای حل مشکلاتمان پیدا کنیم."

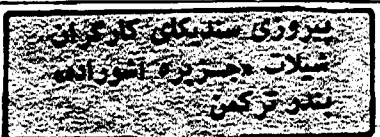
در ادامه اطلاعیه همچنین آمده است: "دوستان کارگران! شرکت شما در سندیکا اولاً باعث میشود اتحاد هر چه بیشتر بین کارگران خیاط بوجود آید. ثانیاً شما میتوانید با تفکر و آرائه پیشنهادات سازنده فعالین سندیکا را یاری کنید."

بنابراین ما کارگران خیاط برای اتحاد هر چه بیشتر در جهت گرفتن خواستهای خود در سندیکا متشکل می شویم و فکرهایمان را یکی می کنیم، گاهی طبقاتی مان را با خواندن کتاب و گوش دادن به سخنرانی دوستانمان بالا می بریم و ریشه دردهایمان را می یابیم و درمان آنرا نیز پیدا میکنیم."

هر چه مستحکمتر باد اتحاد کارگران در سندیکاهای واقعی."

کمک کارگران پالایشگاه تبریز به جبهه و مناطق جنگ زده

کارگران پالایشگاه تبریز متعهد شدند که به مدت ۶ ماه حقوق یک روزشان را برای مناطق جنگ زده بپردازند. در اطلاعیه ای که به همین مناسبت از طرف شوراهای کارکنان پالایشگاه تبریز منتشر شد، میزان کمک ماهی ۷۰۰۰۰۰ ریال از طرف حسابدار پالایشگاه به شماره حساب ۷۷۷۷۷۷، که توسط هلال احمر جمهوری اسلامی ایران افتتاح گردیده، واریز شد.



طی دو سالی که از انقلاب شکوهمند خلق مان برهبری امام خمینی می گذرد، سندیکای ناحیه ۴ شیلات کارکنان "آشورانه" فعالیت های سیاسی، رفاهی و فرهنگی را با کوشش همه کارگران، آنها نیز در پی تقابلی موجود کرده است. با اینکه کارشکنی ها و سنگ اندازی های از طرف عناصر ضد کارگری در طول این مدت صورت گرفته است، اما باز سندیکا، با جدیت بسیار، در جهت ایجاد محیط سالم کار و بهبود وضع دشوار کارگران شیلات، این سوره زحمتکش دریا برآمده است. گاهی می پرسند: ۲ ساله سندیکای ناحیه ۴ کارکنان جزیره آشورانه بندر ترکمن نشان میدهد که تنها بیگسیری و قاطعیت کارگران سندیکا و رئیس هیئت مدیره آن باعث شد که انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند. کارگران به برخی از

سندیکای کارگران تأسیسات حرارت مرکزی و تهویه مطبوع:

تأسیسات حرارت مرکزی و تهویه مطبوع تهران و حومه، ضمن اطلاعیه ای آمادگی خود را جهت مقابله با تجاوزات و شرکت در ترمیم و بازسازی ویرانه های جنگ، اعلام کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است که:

- ۱- سندیکای کارگران تأسیسات تهران، بعنوان بخشی از سندیکاهای راه وساختمان، ضمن اعلام آمادگی مجدداً برای شرکت در تعمیرات و بازسازی ویرانه های ناشی از تجاوز و وحشیانه و غارتگرانه رژیم بعثی عراق، از زحمه سران دران عضو سندیکا و صف می خواهد که جهت دستیابی به وحدت عمل یکپارچه در انجام این وظیفه بزرگ میهنی مواز در زیر آ توجه کنند:
  - ۱- جهت ثبت نام برای آموزش نظامی و کسب آمادگی های رزمی، همه روزه می توان نید به دفتر سندیکا مراجعه کنید.
  - ۲- برای شرکت و بازسازی ناشی از ویرانه های جنگ آماده شده و میزان تخصص های مربوط و امکانات عملی خود را به سندیکا اطلاع دهید.
  - ۳- با نیروهای مسلح و سپاه پاسداران و سایر نهادهای انقلابی مستقر همکار کنید.
  - ۴- کارخانه و کارگاه را به در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی بدل کنید.
  - ۵- به رزمندگان صفوف رزم، به هر اندازه که مقدور باشد، کمک کرده و امکانات نقدی و جنسی خود را در اختیار مسئولان مربوطه بگذارید.
- ع با شرکت فعال در شورا های محلی، ستاد های بسیج، به تخفیف مشکلات ناشی از وضعیت اضطراری موجود بپردازید و خانواده شهدا و هموطنان نیازمند را حمایت کنید، صبر و استقامت را برای امپریالیسم توطئه گر آمریکا و صیقلی رچه تریا دا اتحاد کارگران و زحمتکشان در سازمانهای صنفی، سندیکائی،



### ویژه روستاهای فارس

است. استانی که مسائل ارضی دهقانان در آن بسیار زیاد است. مگر مالکان و خواران در اینجا به یکدیگر توجه نمیکنند و مشکلات موجود برای ایجاد اشتغال و کانونهای صنعت و پیشرفت آنها ندارند. آنها برای رونق دهقانان که در عملیات اقتصادی کمترین سهم را دارند تلاش میکنند و با توجیه های دروغین و با توجیه های گوناگون دولت وقت، بخش خود را از دست می دهند. "آمریکا" الفت و همکاری دارند که مگر در عمل کاروانهای بزرگ مالکان و خواران این استان از یکدیگر جدا نمیکنند که حتی در زمان جنگ جهانی دوم و زمانی که روستای روستاها را برای افراترین با هواپیما بمباران می کردند و دهقانان را کشتار می کردند، آنها همچنان با یکدیگر جدا بودند و با توجیه های گوناگون دولت وقت، بخش خود را از دست می دهند. "آمریکا" الفت و همکاری دارند که مگر در عمل کاروانهای بزرگ مالکان و خواران این استان از یکدیگر جدا نمیکنند که حتی در زمان جنگ جهانی دوم و زمانی که روستای روستاها را برای افراترین با هواپیما بمباران می کردند و دهقانان را کشتار می کردند، آنها همچنان با یکدیگر جدا بودند و با توجیه های گوناگون دولت وقت، بخش خود را از دست می دهند. "آمریکا" الفت و همکاری دارند که مگر در عمل کاروانهای بزرگ مالکان و خواران این استان از یکدیگر جدا نمیکنند که حتی در زمان جنگ جهانی دوم و زمانی که روستای روستاها را برای افراترین با هواپیما بمباران می کردند و دهقانان را کشتار می کردند، آنها همچنان با یکدیگر جدا بودند و با توجیه های گوناگون دولت وقت، بخش خود را از دست می دهند.

### حمله به باغها و مزارع مبارک آباد

به تحریک عوامل خانهای قشاقی در منطقه مبارک آباد (درجه ۱۰ کیلومتری چهارم) روز ۷ دی ماه ۵۹، عده ای به باغها و مزارع این منطقه حمله کردند و خسارات زیادی به باغها و مزارع وارد کردند. مزارع را قطع کردند و خسارت زیادی به چاهها و لوله های آبیاری قطره ای وارد آوردند. طبق برآورد کارشناسان اداره کشاورزی جهرم، در این حمله بیش از دو میلیون تومان به منطقه مبارک آباد خسارت وارد شده است. هنوز مسیبین این عمل کا ملاشتا با بی شده اند و سپاه پاسداران این منطقه، ضمن دستگیری چند نفر، مشغول بررسی و تحقیق در مورد این مسئله است.

چهار گزارشی که در زیر میخوانید، وضع چهار روستا را نشان میدهد، که برخی از مسائل خاداستان در آنها منعکس است:

### اهالی نواجرد را یاری رسانید

روستای نواجرد (تاگرد) در ۳ کیلومتری بخش سعادت - آبا ده فارس قرار دارد. ککل ساکنین این روستا ۲۵ خانوار است و جمعیت آن در حدود ۱۰۰ نفر بیشتر نیست. زمین های آبدار آن در حدود ۷۰۰ گکتار و محصولات عمده آن گندم، جعفری و جو است. اهالی روستا از نظر امکانات زندگی، از قبیل مسجد، غسالخانه، مدرسه، حمام، آب لوله کشی و برق در ضیقها اند. آب آشامیدنی اهالی از قنات ده تا مین میشود. دولت انقلاب با بدستگیری و یاران میمسی انقلاب راهمراهی کند.

### مشکلات در روستای علی آباد ملارضائی

روستای "علی آباد ملا-رضائی" در منطقه "سر برنیران" و نزدیک "مرودشت" واقع شده. ۱۵ خانوار در ده زندگی می کنند که جا ده مناسب برای رفت و آمد به مرکز بخش ندارد. دیگر مشکلات آنها نبودن آب لوله کشی، برق، حمام، بهداشت، مسجد، ... است.

### گزارشی از روستای قلعه مظفر

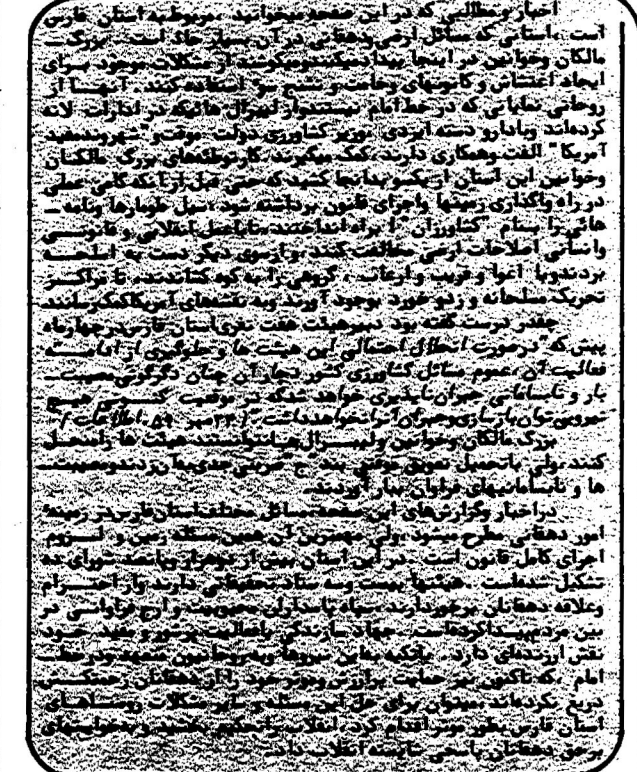
دولت انقلاب باید دست و پاها را از سرده های دهقانان روستای قلعه مظفر فاریس کوتاه کند. قلعه مظفر از روستاهای بخش خرامه فارس است. برنج، پنبه، گندم، جوار از محصولات این روستا است. قلعه مظفر همرا چند ده مجاور، زیر پوشش یک شرکت تعاونی واقع در خرامه، قرار دارد. متأسفانه این شرکت تعاونی نتوانسته است با سکوگی مشکلات اساسی روستاهای اطراف خود را برطرف کند. مشکلات اساسی روستایان در این روستا، عدم تعمیر و نگهداری کانال آبیاری و کمبود آب است. در این روستا، به دلیل نداشتن امکانات، بسیاری از جوانان برای تحصیل به شهر و روستای دیگر کوچ کرده اند.

در جای خود اهمیت بسیار دارد. دهقانان برای رفع نیازهای خود ناچار دست به دامن سلف خرها و واسطه ها میشوند. در نتیجه بخش اعظم محصول خود را به قیمت گزافی مجدداً برای گذران زندگی بخیریم. جهاد سازندگی ارسال به هر یک از دهقانان حدود ۳۰۰۰ تومان وام داده است. ولی از آنجا که روی ضوابط صحیح و در ارتباط با رفع مشکل اساسی تهیه، وسایل تولید و کشتا و رزی نبوده، تاثير چندانی نداشته است. وجود مشکل کمبود سوخت، روغن و وسایل یدکی باعث بالارفتن هزینه شخم در منطقه شده است. مثلاً در گذشته اکثر تراکتوردارها هکتاری ۱۶۰ تومان می گرفتند، اینک به بهانه مشکل فوق، هزینه شخم در هر هکتار به ۲۰۰ تومان رسیده است. دولت انقلاب با تقویت تعاونی های واقعی روستایی زیر نظر شورا های ده سی - تواندهای مین اعتبارات و کمکهای فنی لازم بپردازد و با خرید محصولات دهقانان، دست سلف خرها و واسطه ها را بر خواران، این غارتگران روستایان را از سر دهقانان ایران کوتاه گرداند تا تمام املاک محسینی در مورد جهاد کشاورزی و خودکفا ای کشور اجرا شود و هم اینکه ارضای عمومی به قیمتی دولتی و مناسب به دست زحمتکاران شهر و روستا برسد.



سرمايه دار وابسته: مي خواهد زمين مرا هم بدهند يا نه تيسا؟  
ملي كردندا: بئين، هر چه كارخانه داشتيم، تفنگ را براي همین بريكم؟

فرداها می کوشند با پخش شایعات و اکاذیب در روستاها، دهقانان را نسبت به دستاوردهای انقلاب دل سرد کنند.



### دروستاهاى خلف طاهاونه (مرودشت) چه مى گذرد؟

روستای خلف طاهاونه (دالی) واقع در مرودشت فارس، در ۲۵ کیلومتری شمال تخت - جمشید قرار دارد. در این روستا ۱۶۰ خانوار زندگی می کنند که ۶۲ خانوار آن دهقان خرده پا و بقیه خوش نشین اند. هر خانوار دهقانی شش هکتار زمین دارد. بیشتر محصولات آنها گندم و جعفری و قنداست. خوش نشینان اکثریت اهالی ده را تشکیل می دهند و بیشترشان عشا پیری هستند که بر اثر سیاستهای ضد خلقی رژیم گذشته دامهای خود را از دست داده و به ده هجوم آورده اند. آنها دلیل نداشتن زمین به کارهای ساختمانی در دهات اطراف مرودشت و شیراز روی آورده اند. عمده ترین کار زنان این روستا قالیبافی است. روستای خلف طاهاونه برق و مدرسه دارد، حمام و مسجد هم با همیاری مردم ساخته شده، ولی از بهداشت خیری نیست. بیشتر خانه ها لوله کشی شده اند و ولی بعلت دوری منبع از چاه آب، موتور چاه سوخته است. مسئولین قول داده اند که با کمک مردم، منبع آب را به کنار چاه منتقل و موتور را هم تعمیر کنند، ولی تاکنون اینکار انجام نگرفته است. آب آشامیدنی اهالی ده از بهر آبی که از رودخانه "سیوند" گرفته شده، تا مین می شود. این شهرآزادین

فارس که قرار است زمین های آنان بوسیله هیئت های هفت نفری واگذاری زمین بین دهقانان کم زمین و بی زمین تقسیم شود، توسط عوامل خود شایعات مختلفی را از این قبیل که "هیئت های هفت نفری فرار کرده اند"، "شاه نمرده است و برخواهد گشت"، "زمینان این دهقانان بخش می کنند، تا جو عدم اعتماد نسبت به فعالیت های مثبت این نهاد بوجود آید،

### قابل توجه مقامات مسئول:

طبق اطلاعات رسیده عوامل فئودالها در روستاهای اطراف فرک داراب فارس به منظور مقابله با اقدامات انقلابی، هیئت های هفت نفری واگذاری زمین، می کوشند ناراضی و دل سردی نسبت به انقلاب در میان دهقانان این مناطق بوجود آورند. اما لکن روستاهای طاهاونه و نعمرت، واقع در فرک داراب

دهقانان، هنگامی که از این فئودالها نام میبرند از جنبه به هوشنگی و چمندی اشاره می کنند که با شهرام پهلوی نیا و با طاعتیوان ارتباط نزدیک داشته، زمینها را برزور گرفته اند و حتی مرتکب قتل نیز شده اند. یکی از آنها مدتی زندانی بوده و اکنون تبعید است. در زمان طاغوت بدرنواهی بسیاری از منطقه دارا با متجمله

فارس که قرار است زمین های آنان بوسیله هیئت های هفت نفری واگذاری زمین بین دهقانان کم زمین و بی زمین تقسیم شود، توسط عوامل خود شایعات مختلفی را از این قبیل که "هیئت های هفت نفری فرار کرده اند"، "شاه نمرده است و برخواهد گشت"، "زمینان این دهقانان بخش می کنند، تا جو عدم اعتماد نسبت به فعالیت های مثبت این نهاد بوجود آید،

طبق اطلاعات رسیده عوامل فئودالها در روستاهای اطراف فرک داراب فارس به منظور مقابله با اقدامات انقلابی، هیئت های هفت نفری واگذاری زمین، می کوشند ناراضی و دل سردی نسبت به انقلاب در میان دهقانان این مناطق بوجود آورند. اما لکن روستاهای طاهاونه و نعمرت، واقع در فرک داراب

# خلق گواتمالا برای آزادی خود از اسارت امپریالیسم آمریکا متحد می شود

در گواتمالا، که مردم آن بیش از یک چهارم سده است که آماج ترور خونین و اختناق نظامی هستند، پیکار مبارزان و نیروهای دموکراتیک این کشور علیه رژیم ژنرال رومشو لوکاس گارسیا هرچه بیشتر گسترش می یابد.

به موجب گزارش های سازمان های بین المللی و کلیسای کاتولیک گواتمالا، از واژگونی دولت بورژوا - مرفی آریس در سال ۱۳۳۹ تا کنون در حدود ۲۵ هزار گواتمالایی قربانی سرکوبگری شده اند. تنها در ۲۶ ماه گذشته، ۳ هزار مبین دوست به هلاکت رسیده و با ناپدید گردیده اند. ترور در این کشور آمریکای مرکزی دو سال است که طبق برنامه های ویژه اعمال می شود. به موجب این برنامه، در مرحله نخست، گروهی برگزیده از رهبران سندیکاها، احزاب مخالف، سازمان های کارگری دهقانی و اتحادیه های دانشجویان و معلمان به قتل می رسند.

شیوه های وحشیانه رژیم برای سرکوب خلق ۷ میلیون گواتمالا تنها نمی تواند اعتراض خلق را خاموش کند، بلکه خشم مردم را نسبت به طبقه استبدادگر حاکم دوچندان کرده است. در حالی که مابکم دستمزد سالیانه ۷۵ درصد زحمتکشان شهر و روستا از ۳۰۰۰ ریال تجاوز نیست، سود لاتیفوندها، بنگاه های چند ملیتی و انحصارهای ایالات متحده آمریکا، از بابت ثروت های طبیعی گواتمالا، همواره ابعاد جدید می یابد. ژنرال رومشو لوکاس گارسیا نیز مانند فرمانروای پیشین گواتمالا، کخل لائو گورد، با غضب زمین های دیگران و زد و بندهای تجاری، یکشنبه میلوئو شد.

دیکتاتور گواتمالا از هر جهت مورد اطمینان و پشتیبانی ایالات

متحده آمریکا است. واشنگتن به او اعتبار می دهد و رژیم او را از نظر جنگ افزار و کارشناس ویژه مبارزه ضد چریکی تامین می کند. بویژه پس از سرنگونی حکومت دیکتاتوری سوموزا در نیکاراگوئه و اوچ کسری جنبش انقلابی در السالوادور، همسایه گواتمالا، ایالات متحده از همه نیروها و امکانات خود در آمریکای مرکزی برای جلوگیری از قیام خلق گواتمالا بهره می گیرد.

تشدید مبارزات طبقاتی، نیروهای دموکراتیک گواتمالا را بر آن داشته است که هرچه بیشتر در راه مبارزات طبقاتی، نیروهای دموکراتیک علیه اختناق، که با ارسال تشکیل شد، صدویچسناه سازمان مخالف و سندیکا حرکت دارند. فزون بر این، کمیته ملی وحدت سندیکایی، که اعضای آن از تجربه غنی مبارزه بهره مندند، چندی پیش همه نیروهای مخالف رژیم را به ایجاد جبهه های واحد علیه دیکتاتوری فراخواند. "حزب کار گواتمالا"، یعنی حزب کمونیست های گواتمالا، و سازمان های مسلح انقلابی این کشور - مانند "سپاه چریکی بیسویان"، "سازمان مسلح شورشیان" و "سازمان انقلابی خلق مسلح" - نیز فعالیت در راه وحدت عمل نیروهای ضد دیکتاتوری گام برمی دارند.

چندی پیش، فرانسیسکو لوپس روتیز، یکی از رهبران "سازمان انقلابی خلق مسلح" اعلام داشت که سازمان های مسلح سادای مشترک برای هماهنگی عملیات خود تشکیل دادند. قرار است که این سازمان ها به اتخاذ یک برنامه "مزارع های" دولتی انقلابی - دموکراتیک و ملی اقدام ورزند.

## خطر اصلی ...

بقیه از صفحه ۳

به اندازه تمام اعضا و رهبران جبهه ملی زندان کشیده است. نا ابر روزها را دیدیم. ما می دانیم که سیاست امپریالیسم و ارتجاع عبارت است از ایجاد عدم ثبات در جمهوری امپریالیستی همجا توپنه خود را از ایجاد عدم ثبات آغاز می کنند. آن ها می گویند به رژیم های انقلابی امان ندهند. وظیفه همه نیروهای انقلابی این است که در چنین شرایطی به تحکیم پایه های حکومت انقلابی کمک کنند و نه به تضعیف آن و ایجاد بی ثباتی.

عملکرد حزب توده ایران طی دو سال اخیر نشان دهنده سیاست اصولی و انقلابی ماست. حزب توده ایران نمتنها در هیچ نقطه ای و در هیچ موردی مبتکر تشنج و اغتشاش نبوده، بلکه در بسیاری مواقع جلو اغتشاش را گرفته و در روشنگری انقلابی و تجیع نیروهای سالم به دور خط امام خمینی نقش موثری ایفا کرده است. این روش اصولی و انقلابی و موثر با بطبع نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" نیست. وی آشکارا در تلاش ایجاد عدم ثبات و مدافع لبرالها و مائوئیست ها و خواستار ایجاد تشنج و اغتشاش است. سرتا پای نوشته او در جهت ایجاد تزلزل در حکومت است. او نه تنها خودش هوادار فتنه است، بلکه با کمال گستاخی از رئیس جمهوری نیز دعوت می کند و شگفت است این رژیم روزنامه "انقلاب اسلامی" نیز این دعوت را چاپ می کند! نوشته "علمی" نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" که با جملات "تئوری حزب توده برای ایجاد اخلاص

و آشوب در ایران" آغاز شده بود - پس از این که نویسنده یکماه و نیم تلاش می کند و نمی تواند حتی یک نمونه هم از اخلاص و آشوب حزب توده ایران بیاورد - سرانجام بالاین جملات پایان می پذیرد: "تا استقلال چه مدت راه است؟"

اگر بگذارند برنامه های ما اجرا در آید و به راهت بروی خیلی زود، رئیس جمهور من، زودتر از آن چه دنیا تصور کند.

اگر نگذارند؟

شماره حق تیریزی از فتنه چه بهره ای

اکنون که در افکنده صد فتنه ستانه!

## چند پرسش از گردانندگان «انقلاب اسلامی»

روش روزنامه "انقلاب اسلامی" از سر تا پای سوال برانگیز است. این روزنامه که ظاهراً مخالف جو ابهام است، اکنون پخش غلیظ ترین ابهامات است. ما تا کنون ندیده ایم که حتی در یک مورد و برای نامونه هم شده، گردانندگان روزنامه "انقلاب اسلامی" درباره کلی از مسائل مهم کشوری موضع خود را صریح و روشن بیان کنند. اگر قرار بود سوال هایی را که از فعالیت دو ساله این روزنامه به ذهن می رسد، مطرح کنیم، صفحات روزنامه ما کفایت نمی کرد. اما برخی سوال های جدی از انتشار نوشته به امضاء مستعار "ن. احمدنیا" در روزنامه "انقلاب اسلامی" پدید می آید، که نمی توان مطرح نکرد. امید است که گردانندگان "انقلاب اسلامی" برای کمک به رفع جو ابهام - که ظاهراً

# ضرورت صرفه جوئی آکید در ارز دانشجویی

نام "مردم"، این معیارهای جدید را نیز منطبق با مصالح انقلاب و جامعه انقلابی ماندناست و خواستار تجدید نظر جدی در کل مسئله دانشجویان ایرانی مقیم خارج و صرفه جوئی آکید در مصرف آن شد.

خوشبختانه مباحثه مطبوعاتی اخیر وزیر آموزش عالی نویدبخش آن بود که مسئولان آموزش عالی کشور مشغول بررسی وضع دانشجویان خارج و تجدید نظر اساسی در سیستم ارز دانشجویی هستند و بتوانند مقدمه پرسشنامه های جهت جمع آوری اطلاعات و کنترل دقیق تهیه و برای دانشجویان ارسال داشته اند. نام "مردم" با تأیید این تصمیم امیدبخش، از مسئولان خواست که هرنوع بررسی و تصمیم جدید باید باتوجه به شرایط ویژه انقلاب و ضرورت صرفه جوئی آکید در مصرف ارز انجام شود.

بیانیه هیئت اجرایی کانون اسلامی کارکنان بانک مرکزی ایران، که در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۶ بهمن ۵۹، انتشار یافته، حاکی از عدم همکاری مسئولان بانک مرکزی ایران و کارکنان آنها برای ایجاد یک سیستم منطقی در مورد ارسال ارز دانشجویی است. طبق این بیانیه، مسئولان بانک مرکزی اقدام می خواسته اند از توزیع پرسشنامه ها جلوگیری کنند، و چون تلاششان بی نتیجه مانده، از خود سلب مسئولیت کرده اند و مراجعان و شاکیان رابه وزارت آموزش عالی حواله می دهند.

تردید نیست که ایجاد یک سیستم منطقی ارسال ارز، که منجر به حذف دریافتی عده قابل توجهی از دانشجویان مقیم خارج خواهد شد، خود آنها و بستگان آنان را ناراضی خواهد ساخت و در نتیجه تشبثات و اغلال و کارکنان های آنان برای جلوگیری از ایجاد چنین سیستمی، نقش مهمی بازی خواهد کرد. اما باید دید مصلحت انقلاب چه حکم میکند و بدون توجه به کارکنان ها، باو اخلاص گریها، در آن راهی گام گذارد که مقتضیات انقلاب طلب می کند. هر چند که بهترین سودمندی را برای جامعه بیار آورد، به علت فعالیت های ویرانگرانه ضد انقلاب، هم در زمینه خارج کردن ثروت های کشور به صورت ارز و فرش و جواهر و طلا و عتیقه، و هم کارکنان های بی شمار در عرصه صنعت و کشاورزی و خدمات و خدمات قابل توجهی به اقتصاد ما وارد آمده است. مسدود کردن پولهای ایران بوسیله امپریالیسم آمریکا، محاصره اقتصاد توسط آمریکا و متحدانش و نیز جنگ تحمیلی، ضرایب جدی بر اقتصاد کشور وارد کرده است، صرف نظر از آنکه نظام اقتصادی ارتبه طاغوت، به تبع از وابستگی به امپریالیسم، مسخ، ناموزون و ناهماهنگ بوده و نیاز به بازسازی از سرتاپا، از سطح تا عمق دارد و این بازسازی قبل از

خواستار آنند - فعلا فتنه چند بر سر پاسخ دهند:

۱- منظور "ن. احمدنیا" از جملات پائینی نوشته، که خطاب به رئیس جمهور است، چیست؟ این فکر که، "از فتنه چه بهره ای؟" چه معنا مفهومی دارد؟

۲- برنامه هایی که به گفته "ن. احمدنیا" باید به اجرا در آید، کدامند؟

۳- نوشته "ن. احمدنیا" تا چه حد با عقاید، برنامه ها و نقطه نظر های هیئت تحریریه روزنامه "انقلاب اسلامی" منطبق است؟ اگر اختلافی هست، کجاست؟ و اصولا هیئت

تحریریه "انقلاب اسلامی" دارای عقیده واحدی هست؟

۴- درباره حزب توده ایران، نظر "ن. احمدنیا" این است که باید بالاین حزب "مثل دشمن" رفتار کرد و آنرا دفع نمود. نظر هیئت تحریریه "انقلاب اسلامی" چیست؟

۵- درباره کسانی که پیروده آن ها از جاسوس خانه آمریکا در آمده و افشا شده اند، نظر "انقلاب اسلامی" چیست؟

پایان

هرچیز به سرمایه گذاری دولتی نیازمند است.

ما هم اکنون بودجه سال آینده را بودجه جنگی اعلام کرده ایم، یعنی بودجه ای که باتوجه به شرایط ویژه زمان جنگ تنظیم شده و اساس آن بر صرفه جوئی استوار است. در این بودجه، ما منطقی باید به "اولویت ها" پرداخته باشیم، و اگر نپرداختیم، گناه ماست. ماهزین های غیر ضروری، تجملاتی زائد را حذف و به "واجب ترین" ها پرداختیم. ماهاکت با تنظیم چنین بودجه ای، آیا الزام آور نیست که از پراختیای غیر لازم ارز نیز تقویا اجتناب کنیم و اندرآمد محدود ارزی خود، تنها آن ارزی را بپردازیم که برای تکامل پیشرفت جامعه خود در وجوه مختلف آن، ضروری تشخیص می دهیم؟

ما حق نداریم در شرایطی که حداقل دستمزد ماهانه سرپرست یک خانواده پنج نفری کارگری کمتر از ۲ هزار تومان است، مبلغ ۱۰۰۰ دلار، یعنی ماه از ۷۵۰۰ تومان برای پسر و دختری بفرستیم که هم این مبلغ بیش از نیاز زندگی تحصیلی اوست و هم اصلا معلوم نیست به تحصیل اشتغال داشته باشد؟ ما هرگز بررسی نکرده ایم که رشته تحصیلی چه تعداد از این دویست هزار دانشجو، مورد نیاز جامعه است و چه تعداد از این دانشجویان مومن به انقلابند و خود را متعهد به بازگشت به وطن میدانند.

ما حق نداریم در شرایطی که در همه وجوه زندگی مان صرفه و قناعت را بدرستی رخص داده ایم، در مورد ارسال ارز برای دانشجویان مقیم خارج چنین گشاده دست باشیم. ما مجاز نیستیم در شرایطی که بر طبق اقتضای محروم و بلاکشده، به مناسبت شرایط ویژه زمان جنگ، باز هم محرومیهای بیشتری را تحمیل میکنیم و از آنان فداکاری بیشتری می خواهیم، درباره ایرانیان مقیم خارج حاکم وار رفتار کنیم.

ما مولا به اینها دانشجو در خارج از کشور چه نیازی داریم؟ در شرایطی که می خواهیم جامعه خود را از سلطه فرهنگ و شیوه زندگی غربی پاکسازی کنیم، چرا باید دهها هزار جوان خام و بی تجربه را به مراکز این فرهنگ و این شیوه زندگی گسیل داریم؟

اکنون که تغییر و تحول نظام آموزش عالی در دستور روز است، باید همزمان با آن، شبکه آموزش عالی چنان گسترش دهیم که کادرهای علمی و متخصص مورد نیاز جامعه، محسول خود را، خود پرورش دهیم، مگر در مورد رشته هایی که در داخل کشور میسر نیست. در این رشته ها است که میتوانیم دانشجو به خارج اعزام داریم و ارز تحصیلی را متناسب با یک زندگی توأم با قناعت دانشجویی، تامین کنیم.

تجدید نظر اساسی در سیستم ارز دانشجویی خواست جامعه انقلابی ماست. وظیفه مسئولان است که این خواست را تحقق بخشند.

**فرار باد اتحاد**

**همه نیروهای**

**ضد امپریالیستی**

**و**

**دموکراتیک**

**ایران**

**در جبهه متحد خلق**







### درچین شاخص تورم به ۲۰ درصد و شمار بیکاران به ۲۶ میلیون رسیده است

سیاستهای مائوتسیتی دهریان چین اقتصاد کشور را به بحران کشانده است. بنا به محاسبه کارشناسان خارجی، سطح تورم در این کشور از مرز ۲۰ درصد فراتر رفته و شمار بیکاران این کشور ۲۶ میلیون نفر است. اکثر بیکاران را جوانان تشکیل میدهند. سیاستهای اقتصادی نادرست و زیان بخش رهبری چین، که موجب تعطیل شدن بسیاری از رشته های تولیدات سنتی و امور ساختمانی گردیده، علت عمده بالا بودن سطح بیکاری در میان جوانان است.

### اجلاس نوبتی کمیته ویژه اقیانوس هند

اجلاس نوبتی کمیته ویژه اقیانوس هند، با شرکت نمایندگان ۴۵ کشور، در مقر سازمان ملل متحد کار خود را آغاز کرد. دستور کار این اجلاس مسئله مربوط به تدارک برگزاری کنفرانس بین المللی درباره تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح است، که در کلمبوتسکیل خواهد شد.

اکنون ده سال است که این مسئله در سازمان ملل متحد مورد توافق قرار گرفته است. مسئله تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح در کنفرانس اخیر جنیبه غیرمتممها در دهلی نو مورد تأیید کشورهای غیر متعهد واقع شد. اما این مسئله همواره با مخالفت امپریالیسم آمریکا و متفقین آن مواجه شده است.

### کمکهای تسلیحاتی آمریکا به رژیم السالوادور همچنان ادامه دارد

طبق اطلاعاتی فرماندهی جبهه آزادیبخش فارابوندوماری در السالوادور، ایالات متحد آمریکا انواع اسلحها و تجهیزات نظامی را به رژیم ضد خلقی این کشور تحویل میدهد. در ماه ژانویه معادل ده میلیون دلار سلاح آمریکائی به این کشور صادر شده است. در این اطلاعات همچنین آمده است که طی روزهای اخیر، صدها تن از اهالی کشور به صفوف مبارزان جبهه آزادیبخش پیوسته اند.

### تدوین برنامه تثبیت امور اقتصادی در لهستان

یلرودسکی، نخست وزیر لهستان، در گفتگوی خود با خبرنگاران در ورشو اظهار داشت: مسئله اساسی کشور ما تثبیت وضع اقتصادی و زندگی مردم کشور است. برای رسیدن به این منظور، از جانب دولت برنامه سه ساله ای در دست تنظیم است که بزودی مرحله اجرا گذارده خواهد شد.

نخست وزیر لهستان گفت: «لهستان بیش از هر چیز به نظم و آرامش داخلی نیاز دارد و این نظم و آرامش در صورتی برقرار خواهد شد که دولت به نحوی موثر عمل کند و موافقت نامه های امضا شده و رعایت اصول دموکراسی سوسیالیستی در کشور ضامن اجرا داشته باشند».

### هزینه های نظامی آمریکا از مرز ۲۰۰ میلیارد دلار تجاوز میکند

سختگویی کالج سفید اعلام کرد که هزینه های نظامی برنامه اقتصادی خود را در کشور آمریکا مطرح میکند. تقلیل بودجه فدرال یکی از مواد این برنامه است که در نتیجه آن، اعتبارات برنامه امور اجتماعی کاهش خواهد یافت. در صورتیکه طبق همین برنامه، بودجه هزینه های نظامی آمریکا متجاوز از ۲۰۰ میلیارد دلار است.

### در چهارچوب کمکهای گسترده جامعه سوسیالیستی به کشورهای در حال رشد در تعداد دانشجویان کشورهای در حال رشد در اتحاد شوروی به رقم ۴۰ هزار سید

در سال جاری شمار دانشجویان کشورهای در حال رشد آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که در مؤسسات آموزش عالی اتحاد شوروی تحصیل می کنند به رقم سیاهفته ۴۰ هزار نفر رسیده است. اکثریت عظیم این دانشجویان در رشته های ریاضی، زمین شناسی، فولسازای، راه و ساختمان، انرژی، شیمی و فیزیک و رشته های مختلف پزشکی تحصیل می کنند.

در ۲۵ سال گذشته دهها هزار تن از کارشناسان کشورهای مختلف سه قاره آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اتحاد شوروی آموزش دیده اند. جوانان کشورهای در حال رشد، در بهترین مؤسسات آموزشی مسکو، لنینگراد، کیف، یا کو، تاشکند، تلیس و دیگر شهرهای کشور اتحاد شوروی به تحصیل مشغول می شوند. تربیت کارشناس برای کشورهای در حال رشد از جمله همکاری های گسترده جامعه سوسیالیستی و پیوسته اتحاد شوروی با کشورهای سه قاره در جهت دستیابی این کشورها به متخصصین و کارشناسانی برای پایه گذاری اقتصادی مستقل است.

از سوی دیگر اتحاد شوروی در خود این کشورها، مؤسسات عالی آموزشی بسیاری ایجاد کرده است. از جمله این مؤسسات می توان از انستیتوی صنایع سبک و مدارس فنی در الجزایر نام برد.

### کنفرانس کشورهای آفریقائی خط مقدم جبهه غربی است

کنفرانس سران جمهوری زامبیا، موزامبیک، تانزانیا، بوتسوانا و زیمبابوه در لوزاکا تشکیل گردید. نمایندگی دولت آنگولا نیز در این کنفرانس شرکت دارد. در این کنفرانس مسئله هب آهنگی عملیات کشورهای آفریقائی خط مقدم جبهه، در ارتباط با تسدید تجاروات رژیم نژادپرست چمبروری آفریقائی جنوبی بررسی میشود.

# «سواپو» یگانه نماینده راستین و قانونی خلق نامی «پا»

## \* «یک نامی، یک ملت»

جنیبه های آزادیبخش ملی و طبقه کارگر کشورهای پیشرفته سرمایه داری سدری بر مردم نامی بیا گشود. قلمنامه ۳۸۵ مویبه شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر حمایت از خواستهای سواپو، خواستار: - پایان بخشیدن اشغال غیرقانونی نامی بیا از سوی ارتش آفریقائی جنوبی؛ - برصیت شناختن تعلیم ارضی کشور و فتح سیاست فزادوبوه از سوی پروتوریا؛ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی؛ - افکاء کلیه قوانین سرکوتگرانه؛ - برگزاری انتخابات آزاد تحت نظارت سازمان ملل متحد جهت تعیین سررشت مستعلا خوی، در پرو احترام به راه رشد برگزیده مردم.

سازمان ملل متحد، علاوه بر این، روز ۱۰ دی ۱۳۵۷ را بعنوان تاریخ نهایی برای اجرای این خواستها تعیین کرد.

## \* هدف «سواپو»: سمت گیری سوسیالیستی

در هایش کمیته مرکزی جبهه آزادی بخش سواپو (از ۶ تا ۱۰ مرداد ۱۳۵۷ در لوزاکا) برنامه و تصمیمات فوری به تصویب رسید: دستیابی به استقلال، براندازی کامل ستم ملی و طبقاتی، ارائه حق گزینش عمومی، اجرای دگرگونیهای اقتصادی - اجتماعی زرنه از جمله ملی کردن وسایل تولید، اصلاحات ارضی، دموکراتیزه کردن کلیه نهادهای عمومی، ایجاد شاووه های جامعه بر طبقه در نامی بیا، بر یتیان سوسیالیسم علمی، هدف «سواپو» اعلام گردید.

برنامه بویژه ضرورت وحدت بین نیرو های مبین دوست را برای دستیابی به استقلال ملی و کاربست سیاست همبستگی با جنیبه های ملی ضد امپریالیستی و صلح دوست در سراسر جهان اعلام کرد، و بر ضرورت وحدت بخاطر پیشبرد مبارزه مسلحانه، بعنوان کاراترین شیوه، ولی نه یگانه شیوه، تأکید ورزید.

## \* نیرنگ بازی نوین نژادپرستان

آفریقائی جنوبی، نگران از واکنش ها و قلمنامه های بین المللی و امیدوار بفروشاندن خروش انقلابی مردم نامی بیا، ناگزیر به پذیرفتن قلمنامه سازمان ملل متحد گردید. ولی در پیامد آن، چون پروتوریا بر زمین خود رشید استقلال و آزادی را در سرزمین نامی بیا در افق نزدیک میدید، ضمن کارشکنی در گفتگوها، ایجاد وقفه در روند اجرای مفاد قلمنامه، دست به یبانه ترافی می زد تا نهادهای قدرت دست نشانده خود مانند «مجلس ملی» و سپس «شورای وزیران» را در کشور بوجود بیاورد. در ویدوهوک «کابینه های پاره بری مزره داری بنام دیرک هوج، سردمدار حزب باصلاح «اتحاد دموکراتیک ترهال» از طریق «انتخابات» تشکیل شد. اختیار قانونی «کابینه» در چنین منافع تنگ انحصارات امپریالیستی می گنجد. «دولت» نامی بیا در ویدوهوک از هر گونه نظارتی بر شاخه های کلیدی اقتصاد، امور مالی، شبکه راه آهن، بنادر، سیاست امور خارجی، پلیس و نیروهای مسلح محروم است و به هیچ وجه پاسختگویی خواستهای اولیه خلق نامی بیا نیست.

شکست اعلام «استقلال» یگانه از سوی اشغالگران با علم کردن «کابینه» یا تسدید مبارزه مسلحانه ارتش آزادیبخش ملی و هجوم مشتاقانه داوطلبان برای پیوستن به صفوف فترده سواپو، همزمان بود. گردهمایی ها و تظاهرات عظیمی به پشتیبانی از نظر گامهای انقلابی و دموکراتیک «سواپو» تشکیل شد. برای نمونه، گردهمایی ویدوهوک که در نیمه اول سال ۱۳۵۸ با شرکت شورانگیز ۲۵۰۰۰ تن مردم بومی برگزار گردید، گامی در جهت محکوم ساختن اقدامات رژیم اشغالگر - آفریقائی جنوبی بحساب میاید.

سواپو از طریق شرکت در مبارزات اقتصادی - اجتماعی مردم نامی بیا، به حمایت همگانه و گسترده کارگران، دهقانان و دانشجویان دست یافت و در مقام سازمانگر جنیبه، یکپارچه خلق نامی بیا، یگانه بیانگر خواستها و منافع تمامی این خلق مستعبد شده. بر این بنیان، در سال ۱۳۵۰ دادگاه بین المللی لاهه حضور دولت اشغالگر آفریقائی جنوبی را در نامی بیا، بعنوان استان پنجم آفریقائی جنوبی، غیرقانونی اعلام داشت.

در سال ۱۳۵۲، سازمان ملل متحد، «سواپو» را یمتابه جنیبه آزادیبخش ملی و نماینده قانونی مردم نامی بیا برصیت شناخت. در آغاز، رژیم نژادپرست آفریقائی جنوبی همچنان بر این ادعای بی بنیان پافشاری میکند که «سواپو» تنها نماینده قبیله اوواپوست است. برای اثبات این محتوا بودن این ادعا تنها به نقل یک نمونه از وحدت دیگر سازمانهای توده ای می برداریم:

در آبان ۱۳۵۵، چهار گروه قومی، شامل ۳۷۰۰۰ عضو از قبیله نامی بیتی هشتاد درصد این قبیله، برای ادامه مبارزه تمرینش یسه «سواپو» پیوستند. از همان زمان بود که شمار «یک نامی، یک ملت» «زنده بان سواپو» به نشان وحدت خلق، بر پیراهن ها و دیوارها، در سراسر کشور، نقش بست. این واکنش فراگیر خود بازتاب جلوه ای از مبارزه اشغالگران مردم در هاروردی متحد تمام خلق علیه آفریقائی جنوبی بود.

## \* تشکیل مجلس شورای دست نشانده

پدینسان، در سال ۱۳۵۲، پروتوریا در برابر رشد درنگ ناپذیر جنیبه آزادیبخش ملی و تحت فشار نیروهای مترقی جهان، ناگزیر به اجرای یک مانور سیاسی گردید و برگزاری «انتخابات آزاد» بخاطر بنیان گذاری یک مجلس شورای دست نشانده را اعلام داشت. سرشت این اقدام به ظاهر نمایانگر استعمارزدایی، گامی جز در جهت تحکیم شالوده های رژیم نژادپرست نبود. «سواپو» با درک ماهیت این تیرنگ بازی، سیاست اصولی خود را، در شرایط دشوار نیمه علمی، یگانه ای موفقیت آمیز برای توده های مردم بیان داشت. «سواپو» کارزار پروتوان و گسترده ای را برای تحریم این مجلس دست نشانده، که با هدف اصلی بازگشت اقوام آفریقائی ساکن نامی بیا به «زادوبوه» تشکیل میشد، بصرامه انداخت. تظاهرات اعتراض آمیزی با شرکت ۳۰۰۰ تن در «گوتوگوه» واقع در حومه پایتخت، برگزار شد، که با به آتش کشیدن شهرداری پایان یافت. برخی ملت ها (مانند ناماها و گاو کولندرها ...) از معرفی نماینده برای شرکت در مجلس شوراه سر باز زدند. دیگر ملت ها (مانند ریووه بودها ...) بعد از چندی نمایندگان خود را از مجلس فراخواندند. سرانجام ناخجسته مجلس به فرجام پیش بینی شده انجامید. کابینه های مترک سواپو در عرصه ییکار سلحانه و شکست برنامه «انتخاباتی» نژادپرستان نشانگر این حقیقت است که مردم آفریقائی نامی بیا سیاست تبهکارانه ایجاد «زادوبوه» را نمی پذیرند و «سواپو» را رهبر سیاسی خویش بشار می آورند.

## \* «سواپو» در جلسات سازمان ملل متحد شرکت می کند

هنگام با افزایش اعتبار بین المللی سواپو از سال ۱۳۵۵ تاکنون، «سواپو» بعنوان عضو ناظر در جلسات سازمان ملل متحد شرکت می کند. فریاضی نظام استعماری برتقال در آفریقا و استقرار دولتهای مترقی مستقل بر ویرانه های استعمار، صفا آرایی نیروهای سیاسی در آفریقا بسود خلقهای ییکارجو، چشم انداز تابناک نوینی را در راستای تلاشهای سه نیروی عمدانقلابی عصر حاضر - جامعه کشورهای سوسیالیستی،

## نمونه مردم

زبان مرکزی غرب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزانی خیابان ۱۶ آذر شماره ۲۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 448 19 February 1981

Table with 2 columns: Country and Price. Includes West-Germany (0.80 DM), France (2 Fr.), Austria (8 Sch.), England (20 P.), Belgium (10 Fr.), Italy (350 L.), U.S.A. (40 Cts), Sweden (1.50 Skr).

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقدمات دولتی و غیر دولتی میتواند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۸، منطقه ۱۴ پستی تهران